

آینهٔ اطلاعات

یادداشت: «بازگشت...»؛ علیرضا خانی

بایک زنجانی‌ها و خاوری‌ها و اتفاقاتی که در برخی بانک‌ها در قالب آن اختلاس بزرگ رخ داد و رخدادهایی که در نهادهایی چون تأمین‌اجتماعی و... وقوع یافت، دقیقاً نمونه‌های عینی جایگزین‌شدن «فرد» به جای «نهاد» است و در این اثنا، سازمانی که یک وظیفه‌اش برنامه و وظیفه دوشم نظارت‌بر بودجه و بودجه‌بندی است، به کلی تعطیل می‌شود تا همه چیز برای جانشین‌شدن فرد به جای نهاد فراهم شود. اینها نیش قبر گذشته نیست، حوادثی است که اگر باز نکوییم و واکاوم همیشه در معرض تکرار و تکرر است. فرقی نمی‌کند کدام دولت باشد یا چه چراییش.

ایران

سرمقاله: «ارزش تاریخی عملکرد تیم دیپلماسی»؛ حشمت‌الله فلاح‌پیشه

پایمردی تیم دیپلماسی ایران است که همزمان مذاکرات را چه در بخش مذاکرات جمعی و چه در سطح مذاکرات دوجانبه متعدد ادامه داد و یک دیپلماسی حرفه‌ای را در دنیا به نمایش گذاشت. مجموعه آنچه گفته شد، دستاوردهایی است که فارغ از نتیجه باید به آن توجه کرد و این همه، حاصل دوعامل تعیین‌کننده است: نخست خبرگی و تخصص اعضای حاضر در تیم مذاکره‌کننده و دیگر اجماع نسبی که در داخل کشور فراهم آمد و حمایت‌هایی که از گروه مذاکره‌کنندگان انجام شد زیرا مخالفت‌هایی که در حاشیه مطرح می‌شد در حدی نبود که قدرت چانه‌زنی مذاکره‌کنندگان را کم کند. علاوه‌بر این عوامل چنانکه گفتم فضای بین‌المللی نسبتاً مثبتی که با روی‌کارآمدن دولت یازدهم ایجاد شد امکان مانور مناسب را برای دیپلمات‌های ایرانی فراهم کرد.

اعتراض

یادداشت: «چرا اوپک نمی‌توانست سقف تولید را کاهش دهد»؛ منصور بیطرف

اگر اوپک کاهش سقف تولید می‌داد چه اتفاقی برای آن منصور بود؟ اول آنکه ایران قبول نمی‌کرد. در حال حاضر تولید نفت ایران حدود ۲/۸میلیون بشکه در روز است که حدود یک میلیون بشکه آن صادر می‌شود. کاهش سقف تولید به معنای آن است که ایران از میزان صادراتش کم کند که این امکان‌پذیر نیست. دوم، عربستان هم قبول نمی‌کرد زیرا به معنای ازدست‌دادن سهم بازار بود. سوم، کاهش سقف تولید نیازمند هماهنگی میان کشورهای تولیدکننده نفت غیروپک مانند روسیه، نروژ و مکزیک بود که این سه کشور هم از پیش اعلام کرده بودند که تولید نفت خود را کاهش نمی‌دهند. بنابراین اگر اوپک به تنهایی سقف تولید را کاهش می‌داد، تنها بازنده بازار، این کارتل ازهم‌پاشیده بود.

کیم‌تان

سرمقاله: «فصل جدید وزارت علوم»؛ حسین شمسیان

«وزارت علوم، تحقیقات و فناوری... به چه دلیل در طول حدود ۴۰روز از عمر دولت... حدود ۱۶۳روز با سرپرست اداره شده است؟... در طول ۱۶ماه گذشته و حضور وزیر و سرپرستان قبلی، به گواه شواهد غیرقابل انکار، یک جریان ثابت در وزارت علوم، سایه‌شمار چهره را و مطرح وزارتخانه بوده و در همان سایه‌روشن، بی‌توجه به انتظار نظام از نهاد علمی کشور، به مهره چینی و یارگیری از بین مطرودان ملت و کسانی که کارنامه روشنی ندارند مشغول بودند... اکنون رای‌اعتماد مجلس به آخرین گزینه معرفی‌شده از سوی رئیس‌جمهور و محققان ایالاتمتحده چندین کور در جلسه رای‌اعتماد، این امید را به وجود آورده که بلاکلیفی و خسران حاصل از آن، با روندی پرشتاب و روبه‌جلو جبران شده و آنچه جامعه علمی کشور در این مدت از دست داده را دوباره به دست آورد و بالندگی و نشاط، بار دیگر جامعه علمی کشور را فرا بگیرد.

یادداشت: «تفاوت نگاه دهخدا و شوالیه‌ها»؛ مصطفی شاه‌کرمی

اینکه عده‌ای در کنیشت در کشور ما وجود دارند و در توهमत خویش غوطه‌ورند، مدعایی است که شاهد مثال و دلیل اثباتش گرفتن همین نشان شوالیه دولت فرانسه به این به ظاهر ایرانی‌هاست. افرادی مثل محمود دولت‌آبادی، محمدرضا شجریان، داریوش مهرجویی، لیلی گلستان و کامیوز دُرْم‌پیش از جمله کسانی‌اند که این نشان را که نازل‌تر از حلی است، دریافت کرده‌اند. از سویی کشور فرانسه و سفارتخانه‌اش به معنای واقعی کلمه هر غلطی که دلشان می‌خواهد انجام می‌دهند... از سوی دیگر مسئولان دولتی به‌خصوص آقایان بی‌خیال وزارت ارشاد اعلام کردند که به ما مربوط نیست! یکی هم نیست بگوید مگر ایران عصر فجر و پهلوی است؟ اما که دولتمرد ایرانی جسارت نداشته باشد به عمله آنکه دستگاه یک سفارت خارجی بگوید بالا چشم‌ت ابروست...؟! امیدواریم که حداقل مجلس شورای اسلامی حسب وظیفه‌اش پاسخی به اقدامات سفارت فرانسه و مسئولان خواب‌زده و مبادی آداب شه‌روشنفکری بکنند.

در انتهای کوچه گردوخاک گرفته‌های در بغداد حوالی «کردا» من با شیخ «عبد الخفجی» افسر سابق ارتش عراق، متخصص توپخانه و کهنه‌سرباز جنگ ایران و عراق ملاقات کردم. او اکنون بزرگ قبیله «خفجی» و فرمانده شبه‌نظامیان «کتابب حزب‌الله» است؛ یکی از گروه‌های شبه‌نظامی شیعه در خط‌مقدم مبارزه با «داعش» در عراق.

پس از سقوط «موصل» در ماه «جولای»، آیت‌الله‌العظمی علی سیستانی با صدور یک فرمان مذهبی (فتوا) شهروندان عراقی را به دفاع از کشور، مردم، شرافت مردم و مکان‌های مذهبی فراخواند. «شیخ رعد» می‌گوید که در روزهای اولیه پس از صدور فتوای سیستانی، حتی مردانی که بیشتر از ۶۰سال داشتند نیز به دفتر کار کوچک او می‌آمدند و برای نبرد با «داعش» و شورشیان التماس می‌کردند. به‌گفته دکتر «صفا حسین الشیخ»، معاون مشاور امنیت‌ملی عراق، شبه‌نظامیان «کتابب حزب‌الله» در سال ۲۰۰۳، در ماه منتهی به تهاجم آمریکا تأسیس شد؛ گروهی کوچک‌تر از بقیه گروه‌های شبه‌نظامی شیعه اما با توانایی بالای امنیتی و عملیاتی، با استانداردهای اطلاعاتی و امنیتی عراق.

«الشیخ» می‌گوید: «ابتدا آنها بر اهداف آمریکایی تمرکز کرده بودند، عملیات‌های سازمان‌یافته، پیچیده و مرگباری که هدف آنها نفوذ به سروس‌های اطلاعاتی آمریکا یا عراق بود.»

هنگامی که «شیخ رعد» با ملاقات کردم ۵۸ساله بود. در دفتر کارش، با پیکری که از خستگی جنگ پوشیده شده و چندین انگشت‌ر لعل و فیروزه بر آن به چشم می‌خورد لم داده بود. چهارمین همسر جوانش که در کمال تعجب موهای سیاهش را نبوشانده بود و کفش پاشنه‌بلند به پا داشت، در کنارش بود. زن جوان از گفت‌وگوی او فیلمبرداری می‌کرد.

«شیخ» هیچ طنزی در این واقعیت که حامی مالی کنونی‌اش، ایران، دشمن سابق اوست، نمی‌بیند.

«شیخ» می‌گوید: «صدام این جنگ را (جنگ ایران و عراق) بر مردم شیعه ایران و عراق تحمیل کرد. این

تقصیر صدام بود و ایران تقصیری نداشت.»

او می‌گوید: «کتابب حزب‌الله» حدود چهارهزار رزمنده دارد که تجربه جنگ در «آمرلی» و «سامرا» را دارند. (سرویس اطلاعاتی عراق این رقم را نزدیک به هزارنفر اعلام کرده است) اما پیش از این هم تجربیاتی در جنگ به‌همراه «حزب‌الله» در سوریه دارد.»

او می‌گوید: «برای حفاظت از زیارتگاه‌های شیعیان در نزدیکی دمشق، به‌خصوص برای حفاظت از شهر «سیده‌نینب» در جنوب دمشق که زیارتگاهی به همین نام در آن وجود دارد، به سوریه رفتم.»

او می‌افزاید: «بعضی از مردانی که برای جنگ در سوریه می‌روند روزی ۷۰۰دلار می‌گیرند، اما به کسانی که در عراق هستند بسیار کمتر از این پرداخت می‌شود. این مردان به سلاح‌هایی مانند AK-47 و مسلسل سنگین mm7/12 مسلح شده‌اند همچنین مسلسل‌های سبک‌تر 62/7mm که در شوروی سابق و کشورهای خاورمیانه استفاده شده است.

«شیخ» تأکید می‌کند: «ما برای عدالت و ایمان خود مبارزه می‌کنیم، نه برای پول. ما دشمنان مشترکی مانند «داعش» و اسرائیل داریم اما ما اینجا برای عدالت می‌جنگیم.»

برای درک علت به‌وجودآمدن شبه‌نظامیان شیعه در عراق و افزایش نفوذ ایران، باید سری به گورهای دسته‌جمعی بزنید.

مدت کوتاهی پس از صدام‌حسین که سنی بود و به شکل سیستماتیک و برای «ده‌های

متممادی گروه‌های سیاسی و جنبش‌های شیعه را سرکوب می‌کرد، در آوریل ۲۰۰۳ بازرسان نهادهای

حقوق‌بشری و محققان ایالاتمتحده چندین کور

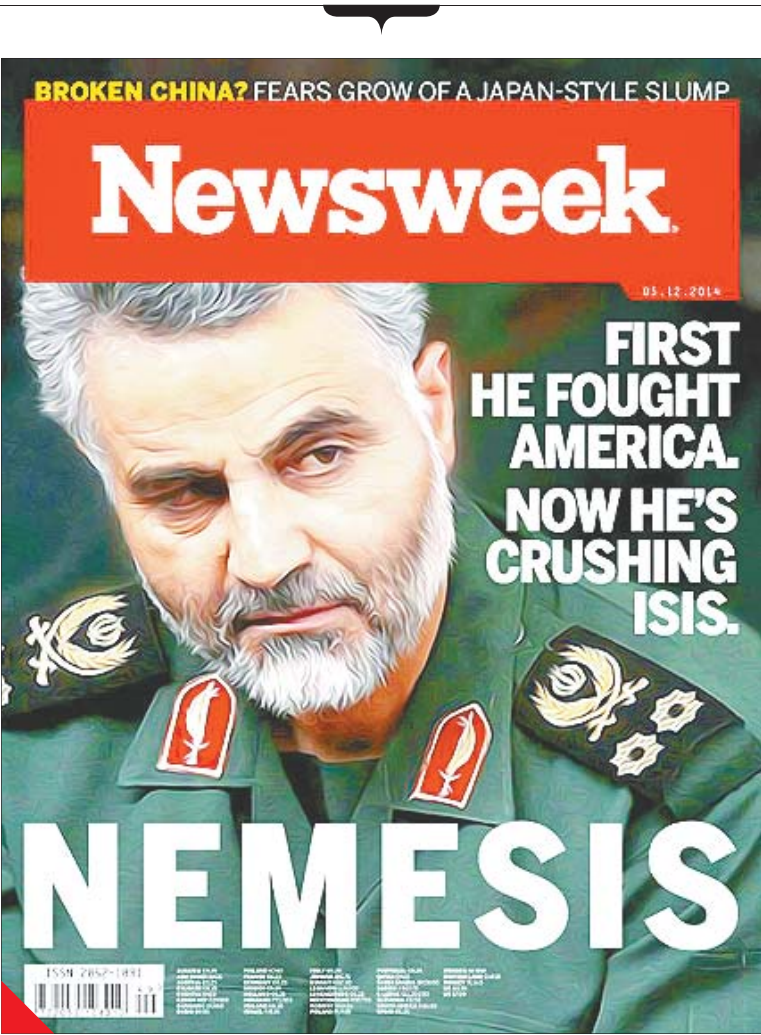
دسته‌جمعی کشف کردند که در هریک از آنها،

هزاران‌نفر از شیعیان و کردها- که قبلاً ناپدید شده بودند- قتل‌عام شده بودند.

معلوم نیست که چند نفر شیعه در طول سال‌های حکومت صدام کشته شدند اما تعداد آنها بین ۴۰۰هزار تا ۷۰۰هزار نفر تخمین زده می‌شود. تنها در یکی از گورهای دسته‌جمعی نزدیک بغداد اجساد ۱۵هزارنفر یکجا کشف شده است. در جنوب شهر کوچک «سماوه» گوری کشف شد که بیش از ۷۲جسد که عموماً کودکان و زنان بودند، در آن پنهان شده بود. باور عمومی بر این است که ۶۰هزارشیعه در بغداد در طول آن سال‌ها ناپدید و ترور شدند. تا سال‌ها پس از رفتن صدام، خوشاوندان ناپدیدشدگان در اطراف گورهای دسته‌جمعی کشف‌شده، ناامیدانه تلاش می‌کردند بتوانند نشانی از گمشده خود پیدا کنند.

بیژن نامداززنگنه، بعد از پایان اجلاس «اوپک» گفت: «این از نگرانی‌های مهم تاریخی «اوپک» است. به‌قولی سهم بازار «اوپک» چقدر باشد. در سال‌های گذشته مرتباً و متوالیا سهم «اوپک» در بازار جهانی کم شده است.»وزیر نفت ایران درباره کاهش بیش‌ازحد تولید روزانه نفت «اوپک» هشدار داد و گفت: «قطعا سهم «اوپک» اگر از یک حدی کمتر شود اثرگذاری خیلی ناچیز می‌شود و این موضوع، تعیین‌کننده است. قیمت معقول باید در سطحی باشد که «اوپک» بتواند سهم خودش را حفظ کند و از سوی دیگر درآمد کافی برای اعضا،

سیاست



سردار قاسم سلیمانی، عکس روی جلد نشرترین شماره هفتهنامه «نیوزویک»

گزارش «نیوزویک» از نقش سردار سلیمانی در نبرد با «داعش»

فرمانده کارآمد همیشه در سایه

جنین دی جوانی . ترجمه نزهت امیرآبادیان

«بغداد» را فرا گرفت. شایعات آمیخته با حقایق، میان مردم کوچه و خیابان به اوج رسید. شنیده می‌شد که «داعش» به ۲۰کیلومتری شهر رسیده است. (من در می‌۲۰۰۳ با او گفت‌وگو کردم. پس از حمله آمریکا به عراق). تصویری خاک‌گرفته از پسر گمشده خود را نشان می‌دهد و می‌گوید: «من می‌خواهم بدانم که چه بر سر او آمده است. مردان صدام شبانه به خانه می‌آمدند و بدون آنکه هیچ توضیحی بدهند مردم را می‌بردند.» هیلو می‌گوید: «من دیگر هرگز او را ندیدم.»

یک روز پس از سقوط صدام، هنگامی‌که شهر بغداد در هرج‌ومرج بود، در نهایت قطعات این پازل کنار هم چیده شد. افرادی بدنام در «استخبارات» (پلیس مخفی صدام) کار می‌کردند. من و همکار عراقی‌ام در محله «الحکیمیه» شواهدی از شکنجه‌های وحشتناک یافتیم؛ محدودیت. چشم‌بند و ابزار شکنجه که هنوز روی آنها خون خشک شده وجود داشت. سول‌هایی به اندازه وان حمام که در آنها افراد ناامید، پیام‌های با خط بد روی دیوار نوشته بودند. در عراق پس از جنگ، پس از حمله آمریکا، شیعیان در راس قدرت قرار گرفتند. هنگامی که «حیدر العبادی»، شیعه‌میانه‌رو، در ماه «اکتوست» گذشته نخست‌وزیر شد، قول داد که دولت او فراگیر خواهد بود و چرخه انتقام بین شیعه و سنی را خواهد شکست. اما هنوز هم پیداکردن یک خانواده

شیعه که خشونت صدام را لمس نکرده باشد، بسیار سخت است. آنها هنوز منتظرند یا حداقل با اکراه برای اجرای عدالت تلاش می‌کنند. اواخر ژانویه، در زمان نخست‌وزیری «نوری المالکی»- یکی از مخالفان شیعه صدام که ایده‌های ناسیونالیستی دارد - مناطق سنی‌نشین استان «الانبار» را- ظاهراً با هدف بیرون‌راندن جنگجویانی که به «داعش» شهرت یافتند- بمباران کرد.

اما گروه‌های حقوق‌بشری نگران بودند که مکان‌های غیرنظامی مخصوصاً بیمارستان‌ها و مناطق مسکونی هدف قرار گرفته شوند. حمله به «الانبار»، باعث گسترش درگیری‌های بی‌پایان فرقه‌ای و باعث شد که نیروهای امنیتی عراقی متوجه جابه‌جایی و تقویت «داعش» نشوند.

«الشیخ»، معاون مشاور امنیت‌ملی عراق در دفتر خود در بغداد می‌گوید: «آنچه پس از آن روی داد، این بود که گروه‌های کوچک شیعت تصمیم گرفتند بر این است که ۶۰هزارشیعه در بغداد در طول آن سال‌ها ناپدید و ترور شدند. تا سال‌ها پس از رفتن داشتند: تا زمان سقوط موصل. پس از آن اتفاقات در مسیر دیگری افتاد.» هنگامی‌که در ۱۹ژوئن ۲۰۱۴ «موصل» سقوط کرد، موجی از وحشت اهالی

آنها سه‌ماه بعد و تنها زمانی که «جیمز فولی»، شهروند خودشان کشته شد دست به حملات هوایی بی‌نتیجه زدند. اما ایران به‌سرعت از بغداد دفاع کرد و یک روز بعد، در «اربیل» بود.» (روزنامه‌نگاران؛ «جیمز فولی» و بعد از او «استیون سولتوف» و «پیتر عبدالرحمان» سر بریده شدند.)

«الریبعی» می‌گوید: «آنها همچنین نابغه نظامی خود، قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس را به عراق فرستادند. کسی که بسیاری از رهبران نظامی دنیا او را به عنوان یک فرمانده عالی و بسیار استراتژیک می‌شناسند.»

ژنرال قاسم سلیمانی چهره‌ای در سایه است اما در ماه «سپتامبر» گذشته؛ اجازه داده شد تصاویری از او در نبرد «آمرلی» منتشر شود. اقدامی که یک پیام آشکار به غرب بود تا بدانند که ایران در عراق به‌طور جدی حضور دارد.

یکی از سیاستمداران شیعه ارشد عراقی که نمی‌خواهد نامش فاش شود، می‌گوید: «او اینجاست، گاهی در بغداد و گاهی در شمال عراق. البته دولت عراق این موضوع را می‌داند، او بسیار باهوش و عاشق پیکار است و به‌خوبی از پس آن برمی‌آید.»

همانطور که عده‌ای در عراق می‌توانند به ایران اعتماد کنند برخی به دلیل میراث تلخ جنگ و کشته‌های بسیار به ایران بی‌اعتماد هستند، «الریبعی» می‌گوید: «ما با تهدیدی به نام «داعش» روبه‌رویم، این یعنی باید از هر وسیله‌ای برای مقابله با این تهدید استفاده کنیم.»

بسیاری از عراقی‌ها شبه‌نظامیان را عاملی حیاتی برای بقای خود می‌بینند. «سجاد جیاد»، یک تحلیلگر مستقر در «لندن» که با موسسه عراق برای اصلاحات اقتصادی (IHER) کار می‌کند، توضیح می‌دهد «شبه‌نظامیان بسیار قدرتمند هستند، اما پس از ژوئن قوی‌تر شدند، آنها به‌خوبی کاردان و متعهد هستند. بسیاری از جوامع شیعه از بمب‌گذاری و حملات انتحاری رنج می‌برند. من در واقع خوشحالم که از آنها حفاظت می‌شود.»

«الریبعی» می‌گوید: «آیا واقعاً آنها به تهران بازمی‌گردند؟ آیا ایالات متحده با ایران به توافق می‌رسد؟ یا بدون توافق هسته‌ای آشتی ایران و آمریکا سهم بزرگی در ثبات منطقه خواهد داشت.»

پیکار مرد همیشه در سایه

«عصائب اهل حق» یا متحدان پرهیزکار یکی از مهم‌ترین گروه‌های شبه‌نظامی است که رهبران آن به اتهام تروریسم در دوران اشغال آمریکا زندانی شدند. عصابب بیشتر از بقیه گروه‌ها در میان سنی‌ها منور است و تهدیدی علیه امنیت آنها محسوب می‌شود. الریبعی می‌گوید: «هر اتفاق بدی که در بغداد می‌افتد، عصابب مسوول آن شناخته می‌شود. آموزش شبه‌نظامیان سخت‌تر از آموزش به کودکان سرکش است.» یکی دیگر از این گروه‌ها، گردان «بدر» است که در دهه ۱۹۸۰ در طول جنگ ایران و عراق ساخته شد. سومین «کتابب حزب‌الله» به رهبری «شیخ رعد» است. بسیاری گروه‌های انشعابی دیگر هم در «بغداد» به این گروه‌ها اضافه شده است. وقتی شبه‌نظامیان وارد عراق می‌شوند، به‌هرحال نفوذ قدرتمند سیاسی و مذهبی ایران هم وارد می‌شود. سوال این است؛ زمانی که «داعش» از بین برود، برای ایران، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ (هماکنونه که الریبعی می‌گوید حدود سه تا پنج‌سال حضور نظامی خواهند داشت و هفت تا ۱۰سال حضور ادیولوژیک)

آیا ایرانیان پس از این‌همه سرمایه‌گذاری، حاضر به بازگشت به خانه می‌شوند؟

«الریبعی» می‌گوید: «احتمالاً؛ نه.» اما او می‌افزاید: «آن زمان، نوبت غرب است که با موضعی نرم نقش ایفا کند.»

پس، پایان ماجرا چگونه رقم خواهد خورد؟ با گروه‌های شبه‌نظامی گوناگون از فرقه‌های مختلف سنی‌رویی مانند جنگ داخلی لبنان وجود دارد. نقش شیعیان در آینده هرچه باشد، شبه‌نظامیانی که به‌سختی علیه «داعش» جنگیده‌اند، هرگز به‌جای دیگری نمی‌روند. یکی از مشاوران امنیتی غرب در بغداد می‌تست: «حضور شیعیان برای تقویت ارتش ضعیف عراق ضروری است.»

«صفا حسین الشیخ»، معاون مشاور امنیت ملی عراق هم تأکید می‌کند: «اثبات شده که در بسیاری از موقعیت‌ها مبارزان بسیار موثرتر از نیروهای امنیتی هستند. آنها تجربه مبارزه با آمریکایی‌ها و به‌تازگی مبارزه در سوریه را دارند.» او مکث می‌کند و به نظر می‌رسد که از نتیجه‌گیری خود خوشحال نیست.

«مبارزه با آمریکایی‌ها واقعاً آنها را باتجربه و قوی

کرد.»

ادامه از صفحه اول

اجفاف به حرفه پزشکی در «سیما»

موضوع این برنامه، آمار ارایه‌شده و نحوه تعامل ارایه‌کنندگان با این آمار، برای پزشکان عجیب و تاسف‌بار بود؛ پزشکی که همان‌گونه که شرح آن رفت، همواره درصدد دست‌پایی به آمار و اطلاعات دقیق و صحیح و تحلیل آن هستند. پزشکی که نتیجه استفاده از آمار نادرست در تصمیم‌گیری‌ها را بیش از بسیاری افراد و مشاغل دیگر درک می‌کنند. تا مدتی، گزیده‌هایی از این برنامه در شبکه‌های اجتماعی بین پزشکان مبادله می‌شد و انواع بحث‌ها و تحلیل‌ها و صلابت‌ه افسوس‌ها در ارتباط با آن شکل گرفت. نگارنده، شخصاً به‌عنوان یک پزشک شاغل در بخش دولتی، آموزشی و دانشگاهی، از مشاهده اعداد و ارقام عنوان‌شده در این برنامه بسیار حیرت‌زده شده و از دوستان و همکاران شاغل در بخش‌های مختلف دولتی و خصوصی در پایتخت و شهرستان‌ها درخصوص آن پرس‌وجو کردم. نتیجه اینکه نه‌تنها درآمد خود را در سطح اعداد عنوان‌شده در این برنامه نیافتم، بلکه میانگین درآمد همکارانم را نیز بسیاربسیار پایین‌تر از این ارقام یافتم. به همه اینها، نحوه تحصیل و کار پزشکان که در برنامه مذکور کاملاً نادیده گرفته شد و دید منفی نسبت به پزشکان که در هرات‌نیا از این برنامه موج می‌زد را نیز اضافه کنید.

در کشور ما، یک پزشک متخصص برای رسیدن به مدرک تخصص حداقل در هشت‌آزمون سراسری شرکت و رقابت کرده و در همه آنها موفق شده است. پس از موفقیت در کنکور سراسری، دانشجوی پزشکی هفت‌سال در دانشکده پزشکی تحصیل می‌کند. دانشجو، از زمان ورود به مرحله بالینی آموزش و حضور در بیمارستان‌ها، ساعات و شب‌های فراوانی را به عنوان کشیک سپری کرده است. پس از فارغ‌التحصیلی در مقطع پزشکی عمومی، چندین‌سال در مناطق محروم و کمترشدیافته و عموماً دور از شهر و زادگاه خود خدمت کرده

است و پس از آن اجازه شرکت در آزمون پذیرش دستیار تخصصی را می‌یابد. پس از موفقیت در این آزمون و گذراندن دوران حداقل چهارسال دوره دستیار تخصصی با همه امتحان‌های دشوار و کشیک‌ها و شب‌بیداری‌های بی‌شمار، پزشک متخصص مجدداً به مدت چندسال به منطقه‌ای دورافتاده و نیازمند اعزام شده و پس از همه اینها نهایتاً در بخش دولتی یا خصوصی به انجام وظیفه مشغول می‌شود. این پایان ماجرا نیست. بیماری‌های روز و شب، تعطیلات و مرخصی نمی‌شناسند و پزشک باید همیشه و همیشه حاضر و مراقب و در عین حال آگاه، به‌روز و پرنارنجی باشد. باز هم به همه اینها، استرس و فشار روانی، نگرانی‌ها و همدردی‌ها و صلابته فشارهای جسمی حاصل از این شغل را اضافه کنید. درآمد بیشتر پزشکان که همگی با طی این مسیر مشغول خدمت‌رسانی هستند، از بسیاری از مشاغل دولتی و خصوصی کمتر است و تا آنجا که نگارنده مطلع است، به هیچ‌وجه در حد میانگین‌های عنوان‌شده در برنامه مذکور نیست. ای‌کاش دست‌اندرکاران محترم برنامه مذکور، حداقل به منظور تنویر افکار سایر پزشکان، منابع اطلاعات خود را ذکر می‌کردند تا اگر حقی در حال پامال‌شدن است به صورت مستند و مدلل بتوان آن را پیگیری کرد. ای‌کاش دستگاهی که متولی رسمی جمع‌آوری آمار مربوط به درآمد میانگین پزشکان است، در پاسخ به این برنامه آمار صحیح و مستندی ارایه می‌کرد. ای‌کاش از حرفه مقدس پزشکی، به عنوان یک تجارت نام برده نمی‌شد. ای‌کاش از پزشکان بی‌شماری که با درآمد کمتر از بسیاری مشاغل دیگر، در سخت‌ترین شرایط و دورافتاده‌ترین مناطق، بار سنگین حفظ و پایش سلامت هموطنان‌ما را به دوش می‌کشند، با عناوین بهتری یاد می‌شد.

پیشنهاد بجا

با وجود جریان‌های تکفیری و پدیده‌ای به نام «داعش» که دشمن مشترک ایران و عربستان و در یک‌کلام آبرو و امنیت جهان اسلام است، اختلاف میان ایران و عربستان به‌خطر این جریان خواهد افزود. براین‌اساس، ترمیم رابطه با استفاده از وزن و جایگاه بزرگان نظام نظیر آیت‌الله هاشمی و سیدمحمد خاتمی در راستای دیپلماسی غیررسمی، به سود همه است. متأسفانه برخی افراد که سابقه سیاسی چندی هم ندارند، در سال‌های اخیر با جنجال و هوجب‌گری، مانع نقش‌آفرینی و استفاده از سیاست‌ورزی چهره‌هایی مانند رئیس مجمع‌شخص‌مصلحت‌نظام شده‌اند.

امروز که سیاست خارجی دولت‌یازدهم به‌دنبال تنش‌زدایی و ارتباط هرچه‌بیشتر با کشورهای جهان و جهان اسلام به‌وسطهٔ عربستان سعودی است، می‌تواند از این پتانسیل ارزشمند استفاده کرد؛ سالانه صدها هزار زایر ایرانی برای زارت به خانه خدا و مرقدشریف پیامبر مشرف می‌شوند و عربستان، جایگاهی خاص در میان اعراب دارد. پیشنهاد آیت‌الله وحیدخراسانی که سال‌ها در کشورهای چون عراق و کویت زندگی کرده است و اشراف کامل بر وضعیت اعراب دارد، حساب‌شده و با دقت علمی و عملی بیان شده است و تا جایی که نگارنده اطلاع دارد این نظر بسیاری از علما و مراجع تقلید است. امیدواریم این پیشنهاد بجا و منطقی، جدی گرفته شود.